

آشنایی با فلسفه قرن بیستم در قالب طنز

بررسی و نقد و تحلیل قرار می‌دهند و سعی می‌کنند تصویری روشن و شفاف از حادثه و قهرمانان اصلی آن ارائه کنند: پوپر و ویتگنشتاین. این دو بر تلقی ما به نوبه خود سهم زیادی در مسائل دیرین، مباحثی مانند «ما چه می‌دانیم؟» «دانش خود را چگونه می‌توانیم پیش ببریم؟» «چه حکومتی داریم؟» و نیز در معماهای عصر ما مثلاً «حدود زبان و معنا و اینکه در ورای این محدود چه قرار دارد؟» ایفا کرده‌اند.

داستان سیخ بخاری از شخصیت و از عقاید هم‌اوردانش فراتر می‌رود؛ ولی جدا از داستان زمان آنها نیست. دریچه‌ای است به روی تاریخ پر آشوب و تراژیک که زندگی آنها را شکل بخشید و این دو را در کمبریج به هم رساند. و نیز داستان دودستگی در فلسفه قرن بیستم... (ص ۱۴)

نویسندگان این کتاب، در ابتدا پیش از آنکه به شخصیت‌ها و تاریخچه و فلسفه آن ده دقیقه بپردازند، آنچه را ثابت و قابل تحقیق است (مکان، گواهان و خاطرات بر زبان آمده آنها) بررسی می‌کند که از لابه لای آن سیمای روشنی از شخصیت و اندیشه پوپر و ویتگنشتاین به دست می‌آید.

این کتاب، اثری است فلسفی، تاریخی و ادبی. اثری فلسفی است از آن رو که آراء فلسفی دو تن از بزرگ‌ترین فیلسوفان معاصر را می‌آورد و در کنار آن نظریات فلسفی فیلسوفان دیگری مانند راسل نیز می‌آید.

اثری است تاریخی از آن رو که یکی از لحظات حساس تاریخ فلسفه غرب را - آن ده دقیقه که بنیاد جهان و تاریخ فلسفه غرب را تکان داد - به تصویر کشیده است.

اثری است ادبی از آن رو که در قالب داستانی جذاب و طنزآمیز، ماجرا را روایت می‌کند. به طوری که خوانندگانی را که اهل فلسفه نیستند

این کتاب، شرح ده دقیقه جدل میان دو فیلسوف بزرگ معاصر است: ویتگنشتاین و پوپر. در شامگاه جمعه بیست و پنج اکتبر ۱۹۴۶ انجمن علوم اخلاقی کمبریج، یکی از نشست‌های متعارف خود را تشکیل داد. سخنران میهمان آن شب، دکتر کارل پوپر از لندن می‌آمد تا خطابه‌ای به ظاهر بی‌آزار به عنوان «آیا مسئله فلسفی وجود دارد؟» ایراد کند.

یکی از حاضران پروفسور لودویگ ویتگنشتاین بود. برتراند راسل هم آنجا بود. این تنها موقعی بود که این سه فیلسوف بزرگ با هم در یک جا بودند... بگو مگوی شدیدی بین پوپر و ویتگنشتاین درباره ماهیت اصلی فلسفه در گرفت. یکی می‌گفت: تردیدی نیست که مسائل فلسفی وجود دارد (پوپر) دیگری می‌گفت: نه، اینها صرفاً معماست. (ویتگنشتاین)

این مشاجره فوراً به صورت افسانه‌ای درآمد. یک روایت اولیه حادثه می‌گوید که پوپر و ویتگنشتاین برای به کرسی نشاندن حرف خود، سیخ‌های تفتۀ بخاری را به طرف هم نشانه رفتند.

این حکایت، قوه تخیل بسیاری از نویسندگان را برانگیخته است: کمتر سرگذشت و شرح فلسفه یا رمانی درباره این دو تن می‌بینید که روایتی معمولاً پر آب و رنگ از این داستان را نقل نکرده باشد. قضیه سیخ بخاری، منزلت نوعی افسانه امروزی را پیدا کرده است.

(صص ۱۴-۱۱)

به راستی اصل ماجرا در آن شب تاریخی چه بوده است؟ چرا این حادثه به ظاهر ساده به یک نقطه عطف در تاریخ فلسفه غرب تبدیل شده است؟

کتاب خواندنی و طنزآمیز ویتگنشتاین - پوپر و ماجرای سیخ بخاری* کوششی است در راستای پاسخ به این سؤالات. نویسندگان این اثر آموزنده و بی‌اندازه خواندنی ماجرا را از زاویه‌های گوناگون مورد



بسیار جالب زندگی و کارهای دو فیلسوف .
– نویسندگان با لذت و سهولت ما را به سیاحت تاریخ و فرهنگ و ...
می‌برند. (صص ۳۴۳–۳۴۲)

خاتمه:

خواندن این کتاب شیرین را به تمامی اصحاب فکر و فرهنگ توصیه می‌کنیم؛ هم به جوانان و هم به بزرگان .
جوانان با خواندن این کتاب ، با زبانی شیرین و طنزآمیز با اندیشه‌ی دو فیلسوف بزرگ جهان آشنا می‌شوند و خلاصه‌ای از آراء و نظریات فلسفی آنها را می‌فهمند .

بزرگان و پیران راه نیز با خواندن این کتاب ، به توانایی و قدرتِ رمان و داستان در انتقال مفاهیم پیچیده فلسفی و معنوی پی می‌برند و می‌توانند با الگوبرداری از این کتاب ، به بیان و شرح اندیشه‌های دقیق و باریک خود یا دیگر فیلسوفان گذشته بپردازند و بدین وسیله با جوانان امروز به راحتی ارتباط برقرار کنند و دیگر ، گناه «غربت فکر و فلسفه در ایران» را به گردن بی‌انگیزه بودن جوانان یا پیچیده بودن مباحث فلسفی نیندازند و به قدرت جادویی قلم ایمان بیاورند . در پایان جا دارد که از ترجمه جناب آقای کامشاد نیز بادی شود: ترجمه‌ای دقیق ، شیرین ، جذاب و علمی ، درست مانند خود کتاب: آموزنده ، بی‌اندازه خواندنی ، دلربا و فراموش ناشدنی .

پانویس:

* ویتگنشتاین ، پوپر و ماجرای سیخ بخاری ، دیوید ادموندز و جان آیدینو ، ترجمه حسن

کامشاد ، تهران: نشر نی ، چ اول ، ۱۳۸۳ ، یک جلد ، ۳۵۷ صفحه .

نیز جذب می‌کند . خواننده کتاب با علاقه و عطش بسیار ماجرا را دنبال می‌کند و تا پایان کتاب خود را در آن محفل فلسفی حاضر می‌بیند .
مهم‌ترین ویژگی این کتاب را می‌توان نقد منصفانه دانست .
پروفسور سیمون بلاک بورن در این رابطه گفته است:
نویسندگان این کتاب ، با چه مهارتی اختلافات فلسفی آن دو را بازمی‌سازند و شور و هیجان برآمده از گزینش به ظاهر بی‌ضرر میان مسئله و معما را بازمی‌گویند و حتی در حق هر دو حریف ، رعایت انصاف می‌کنند که خود این دو نسبت به هیچ کس نکردند . (ص ۳۴۳)
در پایان کتاب ، اظهار نظرهایی از نویسندگان و فیلسوفان آمده است:

– آمیزه دل‌نشینی است از فلسفه و تاریخ و زندگی‌نامه و ردیابی ...
در کانون داستان ، دو حریف اصلی قرار دارند: هر دو مغرور ، تندخو ، زیاده‌طلب و آماده نبرد .

– کتابی پراندیشه و سرگرم‌کننده ، حکایت‌های بسیار خنده‌دارش آن چنان است که آدمی چون من که اصلاً اهل فلسفه نیستم را نیز دلپسته می‌سازد .

– حادثه سیخ بخاری بهانه‌ای است برای بررسی پاره‌ای جنبه‌های